



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

ترجمه

رسالة الطير

يوعلى سينا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ترجمه رساله الطير

نویسنده:

ابوعلی حسین بن عبدالله ابن سینا

ناشر چاپی:

دریای معرفت

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵ فهرست
۶ ترجمه رساله الطیر
۶ مشخصات کتاب
۶ مقدمه
۹ ترجمه رساله الطیر
۱۲ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

ترجمه رساله الطیر

مشخصات کتاب

عنوان قرارداد: رساله الطیر. فارسی - عربی

رساله الطیر. فارسی - عربی. شرح

عنوان و نام پدیدآور: رساله الطیر ابوعلی سینا شامل: اصل، ترجمه و دو شرح بر رساله / [تهیه و تنظیم] انتشارات دریای معرفت.

مشخصات نشر: تهران: دریای معرفت، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری: ۱۴۴ ص.

شابک: ۷۰۰۰۰ ریال ۹۷۸-۶۰۰-۶۹۴۴-۰۹-۸:

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

موضوع: ابن سینا، حسین بن عبدالله، ۳۷۰ - ۴۲۸ ق. رساله الطیر -- نقد و تفسیر

موضوع: فلسفه اسلامی -- متون قدیمی تا قرن ۱۴

شناسه افزوده: ابن سینا، حسین بن عبدالله، ۳۷۰ - ۴۲۸ ق. رساله الطیر. شرح

رده بندی کنگره: BBR۵۲۳/۵ ۱۳۹۱

رده بندی دیویی: ۱۸۹/۱

شماره کتابشناسی ملی: ۳۰۵۹۶۰۰

مقدمه

اهدا به روح قدسی جاودانه شهید بر نهج اقوم تحصیل معارف حقه الهی محمد حسن پیرانی (رض).

«بسم الله الرحمن الرحيم» الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله الطاهرين.

بدایت حمد و نهایت سپاس، مر ایزدی را سزاست که حضرت مثال متصل انسانی را به وزان مثال منفصل سرای هستی نموده، فتح

ابواب این راه، بدان قرار داد که غصوا ابصار کم ترون (تروا- ظ) العجائب.

و له الشکر که نفس ناطقه قدسیه انسان راه، انیس با صور مثالیه نموده صیاد درر تمثیلات و لئالی تمثلات بحار ملکوتش ساخت.

ای دل بکوی دوست، گذاری نمی کنی اسباب جمع داری، کاری نمی کنی!؟

عمری به بطالت گذارندیم و نگفتم کاندرا پس این بیخبریه خبری هست!

اما بعد، پور سینا ابوعلی سینا را در انفع معارف انسانی، اعنی معرفه النفس، افزون از جمیع حکماء الهی سابق و لاحق خویش،

رسائل و کتب متعدده متفاوته است که برخی را چون نمط سوم و هشتم و نهم و دهم اشارات، و نفس شفاء و نجات و ... بر نهج

متعارف تقریر فرمود و بعضی را نیز، چون

ترجمه رساله الطیر، مقدمه، ص: ۲

تمثیلات ثلاثه عرفانی ابدال و سلامان، حی بن یقظان و رساله الطیر- شبکه الطیر، بر سبیل تمثیل تحریر نمود.

این مجموعه سامی، جامع متن و ترجمه و دو شرح قویم بر رساله الطیر اوست که خدای سبحان توفیق اهداء آن راه، به محضر مبارک

نفوس مستعدّه، عنایت نموده است فله الحمد.

در این موقف از بیان، بر آنم تا کلماتی چند را پیرامون این مجموعه تقدیم دارم امید آنکه محققان بارع، از اختصار آن در گذرند.

لعل الله يحدث بعد ذلك امرا.

الف: متن این رساله، چون ترجمه آن منحصر بفرد، و موجود در نسخه خطی و مجموعه سامی به شماره ۱۹۱۸ کتابخانه مجلس شورای ملی «اسلامی» است.

ب: ترجمه این رساله شریف، از آن احمد بن محمد بن قاسم بن احمد بن خدیو اخیسکتی «۱» (۴۶۶-۵۲۸) دانسته شده است. صاحب ریحانۃ الادب، «۲» در ترجمت حال اخیسکتی چنین نگاشته است: اثیر الدین اخیسکتی از مشاهیر شعرای نامدار که جامع حالات و کمالات متنوعه بوده و بیشتر اتابک ایلدگز و پسرش قزلارسلان طغرل سلجوقی را، مدیحه‌ها گفته و با خاقانی و انوری معاصر بوده و بعضی از اهل فن، اشعار او را به حکیم خاقانی ترجیح می‌داده‌اند و او را با این حکیم مباحثات و مناظرات بسیاری بوده است.

با شیخ نجم الدین کبری «۳» ملاقات کرده و بسبب اخلاص و ارادتی که بوی داشته انزوا گزید. و در خلخال به حال انقطاع گذراند. تا در سال ۵۶۲

(۱) روضات الجنات ص ۷۱، اعلام ج ۱ ص ۲۰۸، معجم المؤلفین ج ۲ ص ۱۴۴.

(۳) روضات الجنات ص ۷۱، اعلام ج ۱ ص ۲۰۸، معجم المؤلفین ج ۲ ص ۱۴۴.

(۲)- ریحانۃ الادب ج ۱ ص ۸۶ ط خیام چاپ ۱۳۶۹ ه. ش.

ترجمه رساله الطیر، مقدمه، ص: ۳

هجری قمری و یا به نوشته قاموس الأعلام در سال ۶۰۸ ه. ق در گذشت.

و ظاهر آنست که اثیر الدین نام اصلی صاحب ترجمه بوده و ترجمه حال او در این کتاب به جهت توهم لقب بودن آن است. و از اشعار اوست که در انقطاع و تجرید گفته است:

آن را که چار گوشه عزلت میسر است گو پنج نوبه زن که شه هفت کشور است.

بگذر ز طبع و چرخ که بستان سرای انس برتر ز طاق و طارم این هفت منظر است.

گر بوی کام هست نه زین هفت مدخل است و عقد انس هست نه زین چار گوهر است.

در شطّ حادثات برون آی از لباس کاؤل برهنگی است که شرط شناور است.

خلقان برنگ ریز طبیعت مده از آنک هر دست رنگ او ز نخستین سیه تر است. انتهی کلامه (رض) راقم سطور گوید: حضرت

اخیسکتی را دیوانی است که از آن نسخ متعدده‌ای در دست است. «۱» و زینت بخش آن، قصیده نوبینه مشهور اوست بدین مطلع:

جهان را هم جهان‌بانیست پیدا بین و پنهان دان که زیر گنبد نیلی پدید آورد چار ارکان. این قصیده را شرح مختصری است موجود در مجموعه ۶/ ۴۱۱۸ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران «۲».

(۱) فهرست نسخه‌های خطی فارسی- متزوی ج ۳ ص ۲۲۱۷.

(۲)- ریحانۃ الادب ج ۱ ص ۳۷، الذریعه ج ۹ ص ۵۴.

ترجمه رساله الطیر، مقدمه، ص: ۴

ج: اما شروح بر رساله الطیر که مندرج در این مجموعه است عبارتند از:

۱- شرح عمر بن سهلان ساوی (رض) (سده ششم).

شهرزوری در نزهة الأرواح و روضه الافراح «۱»، در ترجمان وی فرمود: قاضی زین الدین عمر بن سهلان ساوجی، حکمت و

شریعت را به یک ترتیب در آورد و ترک قضای شهر خود نموده عزلت و خلوت اختیار کرد و عطلت بر شغل اختیار نمود و در نیشابور متوطن گشت و انجام علم آموخت و کتابت نمود و از آن کسب زندگانی می‌گذرانید. هر نسخه از کتاب «شفا» را به خط خود به صد دینار می‌فروخت.

می‌گوید که شکلی از مقاله دهم از اقلیدس بر من مشکل گشت. پس خوابیدم و در خواب دیدم پیری را که گفتند این اقلیدس نجار است. از آن شکل پرسیدم گفت: به فلان شکل از فلان مقاله رجوع کن. چون بیدار شدم نماز گزاردم و تأمل در آن شکل نمودم و مشکل من منحل گشت.

او را تصانیف بسیار بود که با کتابخانه‌ای که در ساوه داشت آتش افتاد و سوخت.

ظهیر بیهقی می‌گوید که: من به خدمت او آمد شد می‌نمودم او را دریای پر موج یافتم. به من کتابی نوشت که از جماعتی [باش] که از پوست نسب و القاب منسلخ شده باشند و بار گناه را از دوش نهاده باشند و رخت احوال خود را از خاک دهر و زمان تکانده باشند و این عادت کسی است که نفس خود را تزکیه و پاکیزه نموده باشد و به تحقیق که زیانکار شد کسی که نفس را چرکین و آلوده گذاشت. و گفت کسی که از خدا نترسد از همه کس می‌ترسد و کسی که از خدا بترسد از هیچ کس نمی‌ترسد. انتهی.

(۱) - زهه الأرواح و روضه الافراح، شمس الدین محمد بن محمود شهرزوری - ترجمه مقصود علی تبریزی، ط انتشارات علمی و فرهنگی چاپ اول ۱۳۶۵ ص ۳۹۹.

ترجمه رساله الطیر، مقدمه، ص: ۵

از آثار اوست:

۱- البصائر النصیریه. در منطق.

۲- تبصره. در منطق.

۳- نقیض مطلقه.

۴- رساله التوطئه.

۵- جواب علی الشهرستانی (ره).

۶- نهج التقدیس «۱» و ...

شیخ آقا بزرگ تهرانی پیرامون رساله الطیر فرمود «۲»: ترجمه رساله الطیر تألیف الشیخ الرئیس ابی علی بن سینا الّتی شبّه فیها حاله الانسان المجرد المبتلی بخسیس الطبیعه بالطیر الواقع بالشبکه، و لذا لها «الشبکه و الطیر» و ترجمتها الی الفارسیه لعمر بن سهلان السّاوجی، توجد فی لیدن کما فی ص ۴۵۰ من قائمه الکتب العربیّه فراجعه. و ترجمتها الی الأفرنجیّه ایضا طبع فی بیروت ۱۹۱۱ م بنشر الیسوعیین.

انتهی کلامه (رض) وی در بدایت ترجمه و شرح رساله الطیر، در بیان سبب امر فرمود «کثرت التماس دوستان و بزرگان، مرا دلیر گردانید بر شرح کردن رساله الطیر، از سخنان شیخ الرئیس رحمه الله پس هم از سخنان او، شرح کردم این رساله را با رموز و اشارات ...» این شرح را نسخ مخطوطه متعدده ایست «۳» که ما در تصحیح خویش،

(۱) - برای مزید اطلاع به: تبصره و دو رساله در منطق، آقای دانش پژوه ص ۴۱ فهرست مصنفات ابن سینا، مهدوی خدمات متقابل اسلام و ایران شهید مرتضی مطهری.

(۲) - الذریعه ط بیروت ج ۴ ص ۱۰۴.

(۳) - فهرست نسخه‌های خطی، منزوی، ج ۲ ص ۸۱۱.

ترجمه رساله الطیر، مقدمه، ص: ۶

دو نسخه از نسخ آن را مد نظر قرار داده‌ایم:

۱- نسخه کتاب مجلس شورای اسلامی به شماره ۱۹۱۹ که خط آن، نیمی نستعلیق و نیم دیگر شکسته نستعلیق و تاریخ کتابت آن ۱۰۶۵ است «۱».

«نسخه اصل در تصحیح».

۲- نسخه کتابخانه سپهسالار به شماره ۱۲/۱۲۱۶ بلا تاریخ.

تذکار اول: شیخ عطار، رساله الطیر را منظوم ساخته آن را مسماء به منطلق الطیر فرموده است، چنانچه جامی رساله اقبال و سلامان را به نظم آورده در هفت اورنگ، جایگاه رفیعش بخشید. و رساله حی بن یقظان را ابو منصور بن زیله «۲» و جوزجانی - تلمیذ شیخ رئیس - شرح نموده‌اند «۳».

تذکار دوم: این بنده کمترین را در بدایت تصحیح، قصد بر آن بود تا شرح ساوی همراه با یادداشتهایی هر چند مختصر به طبع رساند و لیک از آن رو که وی را بر شرح حی بن یقظان - شرح جوزجانی - شرح الشرح نسبتا مفصلی است - بلا طبع - ازین مهم انصراف حاصل نمود. لعل الله يحدث بعد ذلك امرا.

د: شرح ثانی بر این رساله، موجود در کتاب شریف «چهارده رساله» جامع و تألیف آقا سید محمد باقر سبزواری است (ط ۱۳۴۰) که آن را برای تکمیل این مجموعه اخذ نموده‌ایم. و تا کنون بر این بنده (و برخی از محققین) معلوم نگشته است که جناب سبزواری، شرح مذکور را از کدامین نسخه مخطوط نقل نموده‌اند؟! و ایضا این شرح از آن کدام شارح است نیز مجهول است؟! لعل الله يحدث بعد ذلك امرا.

(۱) - فهرست نسخ خطی کتابخانه مجلس شورای ملی ج ۵ ص ۴۱۶.

(۲) - الذریعه ط بیروت ج ۷ ص ۱۲۸.

(۳) - به مقدمه شرح جوزجانی بر رساله حی بن یقظان شیخ با مقدمه تصحیح هانری کربن ط مرکز نشر دانشگاهی چاپ سوم ۱۳۶۶ رجوع شود.

ترجمه رساله الطیر، مقدمه، ص: ۷

تذکار: این رساله را شرحی دیگر است که منسوب به شهاب الدین عمر فرزند محمد سهروردی (شهید) م ۶۳۲ نموده‌اند. که ما را دست‌یازیدن به نسخه مخطوط «۱» آن میسر نبود. این شرح، مطبوع اشتوتگارت م ۱۹۳۵ است «۲».

تقدیر: بدین موضع، که انجام کلام است، مر مسئولین کتابخانه مجلس شورای اسلامی و کتابخانه سپهسالار (شهید مطهری) و متصدیان انتشارات معظم الزهراء، را سپاسگزارم. و السلام.

۷/۷ / ۱۳۷۰ ه. ش ساوه - محمد حسین اکبری

(۱) - نسخه آن در استانبول، اسعد افندی به شماره ۴/۳۶۸۸ است.

(۲) - فهرست نسخه‌های خطی فارسی، منزوی ج ۲ ص ۷۵۸ و نیز مصنفات ابن سینا، مهدوی ص ۱۷۷.

ترجمه رساله الطیر، متن، ص: ۷

«بسم الله الرحمن الرحيم» هیچ کس هست؟ از برادران من که چندان به سمع (مرا) عاریت دهد که طرفی از اندوه خویش با او بگویم، مگر بعضی ازین اندوههای من به شرکت برادری وی کمتر شود، که دوستی هیچ کس صافی نگردد تا دوستی را از شوب کدورت نگاه ندارد. و این چنین دوستی خالص، کجا یابیم که دوستیهای این روزگار چون بازرگانی شده است، که آن وقت بر دوستی شوند که حاجتی پدید آید و مراعات این دوست فرو گذارند چون بی‌نیازی پیدا آید، مگر برادری دوستانی که پیوند ایشان از قرابت الهی بود و الفت ایشان از مجاورت علوی و دلها یکدیگر را به چشم نگرند و زنگار شک و پندار از سر خود بردارند و این جماعت را جز منادی حق جمع نکنند، چون جمع شوند این وصیت قبول کنند.

ای برادران حقیقت، خویش فراهم آورید و باید که (برای برادران، حجاب از روی دل بردارید تا بی‌پرده اسرار درونی یکدیگر دانید و سبب

ترجمه رساله الطیر، متن، ص: ۸

کمال همدیگر گردید.) ای برادران حقیقت، خویش فراهم آورید و باطنهای خویش آشکار کنید چنانکه خارپشت باطنهای خود را به ظهور آرند و ظاهرهای خود پنهان کنند که بخدای تعالی که باطن شما آشکار است و ظاهر شما پوشیده.

ای برادران حقیقت، همچنان از پوست بیرون آئید که مار بیرون آید و همچنان روید که مور رود تا آواز پای کس نشنود و بر مثال کژدم باشید که پیوسته صلاح شما پشت بود که شیطان جز از پس در نیاید. و زهر خورید تا خوش زئید و مرگ را دوست دارید تا زنده مانید و پیوسته می‌پرید و هیچ آشیانه معین مگیرید که همه مرغان را از آشیانها گیرند و اگر بال ندارید که پیرید بزمین فرا خزید چندان که جای بدل کنید.

و همچو شتر مرغ باشید که سنگه‌ها کرم کرده فرو بردی و همچو افعی باشید که استخوانها سخت فرو برید و همچون سمندر در میان آتش باشید تا فردا آتش به شما گزند نکند و همچون شب‌پره باشید که به روز بیرون نیاید که بهترین مرغان آن شب‌پره است تا از دست خصمان ایمن باشید.

ای برادران حقیقت، ابله‌ترین خلق آنست که به فردا طمع دارد و کاهلترین کس آنست که از کمال خود بازماند.

ای برادران حقیقت، هیچ شگفت نبود اگر فرشته فاحشه نکند و یا بهیمه و ستوری کاری زشت کند، که فرشته آلت فساد ندارد و بهیمه آلت عقل ندارد، بل که شگفت کار آدمی است که فرمانبر شهوت نشود و متقاضی شهوت در بند و با خویشتن سخره شهوت کند با نور عقل و به عزت خدای آن آدمی که به وقت حمله شهوت قدم استوار دارد از فرشته افزون است باز کسی که منقاد شهوت بود از بهیمه باز پس ترست و اکنون بر سر قصه شویم و اندوه خویش شرح دهیم.

بدانید ای برادران حقیقت، که جماعتی صیادان به صحرا آمدند و

ترجمه رساله الطیر، متن، ص: ۹

دامها بگسترده و دانها پاشیدند و دام و داهولها بیای کردند و در خاشاک پنهان شدند و من در میان گله مرغان می‌آمدم و چون ما را بدیدند، صفیر خوش می‌زدند چنانکه ما را به گمان افکندند. بنگریستیم جای منزّه و خوش دیدیم و صحراء پاکیزه و طعمه بسیار دیدیم. هیچ شک در راه ما نیامد و هیچ تهمت ما را از آن قصد باز نداشت. روی بدان دامگاه نهادیم و در میان دام افتادیم چون نگه کردیم حلقها دام در حلق ما بود و بندها تله‌ها بر پای ما بود و هراس مترس‌ها در دیده ما. همه قصد حرکت کردیم تا مگر ازین بلا نجات یابیم.

هر چند بیش جنبیدیم بندها سخت تر بود. پس (دل بر) هلاک تن بنهادیم و بدان رنج، تن درد دادیم و هر یکی به رنج خویش مشغول شدیم که پروای یکدیگر نداشتیم و روی به جستن حيله آوردیم تا بچه حيله خویشتن برهانیم.

یک چند همچنان می‌بودیم تا بر آن خو کردیم و اول قاعده خویش فراموش کردیم و با این بندها بیارامیدیم و با تنگی قفس تن دردادیم، پس روزی از میان این بندها بیرون نگریدم. جماعتی را دیدم از یاران خود سرها و بالها از دام بیرون کرده و ازین قفسه‌ها تنگ بیرون آمده و آهنگ پریدن می‌کردند و هر یکی را پاره از آن داهولها و دامها بر پای ماند که بدان ایشان را از پریدن باز می‌داشت و ایشان را با آن بند خوش بود.

چون آن بدیدم ابتداء کار خویش و سلامتی خود در هوا یادم آمد و آنچه با او ساخته بودم و با او الفت گرفته بر من منغص شد. خواستم تا از اندوه بمیرم یا از آن یاد کرد دیدار ایشان جان از من جدا شود. پس آواز دادم ایشان را و زاری کردم که به نزدیک من آئید و مرا در حیلت جستن به راحت دلیل باشید و با من در رنج شریک باشید که کار من به جان آمد ایشان را فریب صیادان یاد آمد. ترسیدند و از من بر میدند.

ترجمه رساله الطیر، متن، ص: ۱۰

سوگندهاشان بردادم به دوستی قدیم و صحبتی که هیچ کدورت بدو راه نیافته بود و بدان سوگند شک از دل نرفت و هیچ استواری نیافتند از دل خود بر موافقت. من دیگر باره عهداء گذشته یاد کردم و بیچارگی عرضه کردم. پیش من آمدند و پرسیدم ایشان را از حالت ایشان که به چه وجه خلاص یافتند با آن بقایاء بندها چون آرامیدند. پس هم بدان طریق که ایشان حیلت خود کرده بودند مرا معونت کردند تا گردن و بال خود را از دام بیرون کردم و در قفس باز کردند.

چون بیرون آمدن گفتم این بند از پای من بردارید. گفتند اگر این در قدرت ما بودی اول از پای خود برداشتمی و از طیب بیمار کسی دارو و درمان نطلبید و اگر دارو ستاند ازو سود ندارد. پس من با ایشان بر پریدم.

ایشان با من گفتند که ما را در پیش راهه‌ها دراز است و منزله‌ها سهمناک و مخوف که از آن ایمن نتوان بود که به مثل این حالت دیگر بار (فرصت کار) از دست ما بشود و ما دگر باره بدان حالت اول مبتلی شویم پس رنجی تمام تر باید داشت تا یک بار از جایه‌ها مخوف بیرون گذریم. و پس براه راست افتیم آنکه میان دو را بگرفتیم. وادی بود با آب و گیاه خوش می‌پریدیم تا از آن دامگاهها در گذشتیم و به صفیر هیچ صیاد باز ننگریستم و به سر کوهی رسیدیم، بنگریستیم در پیش ما هشت کوه دیگر بود که چشم هیچ بیننده به سر آن کوهها نمی‌رسید، از بلندی. پس با یکدیگر گفتیم که فرود آمدن شرط (عقل) نیست و هیچ امن وراء آن نیست که به سلامت ازین کوهها بگذریم که در هر کوهی جماعتی‌اند که قصد ما دارند و اگر ما بدیشان مشغول شدیم و به خوشی آن نعمتها و نزهت آن جایها بمانیم به سر عقبه نرسیم. پس رنج بسیار برداشتم تا بر شش کوه بگذشتیم و به هفتم رسیدیم.

پس بعضی گفتند وقت آسایش است که ما را طاقت پریدن نیست و از دشمنان و صیادان دور افتادیم و نیز مسافتی دراز آمدیم و آسایش یک

ترجمه رساله الطیر، متن، ص: ۱۱

ساعته ما را به مقصود رساند و اگر بر این بیفزائیم هلاک شویم، پس بر این کوه فرود آمدیم. بوستانها آراسته دیدیم و بناه‌ها نیکو و کوشک‌ها خوش و درختان میوه‌دار و آبهای روان چنانکه نعیم او دیده می‌ستند و زیبایی او عقل از تن جدا می‌کرد و الحانه‌ها مرغانی که مثل آن نشنیده بودیم و بویهائی که هرگز به مشام ما نرسیده بود از خوشی پس از آن میوه‌ها بخوردیم و از آن آبها بخوردیم. و چندان مقام کردیم که ماندگی بیفکنیم، پس آواز بر آمد که قصد رفتن باید کرد که هیچ امن و رای احتیاط نیست و هیچ حصن استوارتر از بد گمانی نیست و ماندن ما بدین جای عمر ضایع کردن است و دشمنان بر اثر ما همی آیند و خبرها می‌پرسند. پس رفتیم تا به هشتم کوه که از بلندی سرش به آسمان رسیده بود و چون به وی نزدیک رسیدیم الحان مرغانی شنیدیم که از خوشی آن باله‌ها ما سست شد و می‌افتادیم و نعمتها الوان دیدیم و الحانه‌ها گوناگون که دیده‌ها از آن متحیر شد و صورته‌ها دیدیم که چشم از او بر نتوانستیم داشتن. فرود آمدیم، با ما لطفها کردند و میزبانی کردند به نعمتها که زبان هیچ مخلوق شرح و

وصف آن نتواند کرد و چون والی آن ولایت ما را با خویشتن گستاخ گردانید و انبساطی پدید آمد، او را بر رنج خود واقف گردانیدیم و شرح آنچه بر ما گذشته بود پیش وی بگفتیم، رنجور شد. و چنان نمود که من با شما در این رنج شریکم به دل. پس گفت در پس این کوه شهری است که حضرت ملک آنجاست و هر مظلومی که به حضرت او رسید و بروی توکل کرد، آن ظلم و رنج او وی بردارد و از صفت او هر چه گفتم خطا بود که وی افزون از آن بود. پس ما را بدین سخن که از وی شنیدیم آسایش به دل پدید آمد. و بر اشارت او قصد حضرت کردیم و آمدیم تا بدین شهر بفضا و حضرت ملک نزول کردیم. خود پیش از ما دیدبان ملک را خبر داده بود. فرمان بیرون آمد که واردان را پیش خدمت آرید. پس ما را بردند، کوشکی و صحنی دیدیم که

ترجمه رساله الطیر، متن، ص: ۱۲

فراخی آن در دیده ما نیامده بود، چون بگذشتیم حجابی برداشتند صحنی دیگر پدید آمد، از آن خوشتر و فراختر چنانکه صحن اول باریک پنداشتیم باضافت به این صحن.

پس به حجره رسیدم. چون قدم در حجره نهادیم از دور نور جمال ملک پدید آمد. در آن نور دیدها متحیر شده و عقلها رمیده شد و بیهوش شدیم، پس به تلطف عقلها ما باز داد و ما را بر سخن گفتن گستاخ کرد.

گلها و رنجها خود پیش آن ملک باز گفتیم و قصه شرح دادیم و درخواستیم تا آن بقایاء بند از پای باز دارد تا در آن حضرت به خدمت باشیم. پس جواب داد که بند پای شما همان گشاید که بسته است و من رسولی با شما بفرستم تا ایشان را الزام کند تا بندها از پای شما بردارد و حاجیان بانگ بر آوردند که باز باید گشت.

از پیش ملک باز گشتیم و اکنون در راهیم با رسول ملک همی آئیم و بعضی از دوستان من از من درخواستند که صفت حضرت ملک بگوی و صفت زیبایی و شکوه او اگر چه بدان نتوانیم رسید. بعضی موز بگویم.

بدانید که هر گاه که در خاطر خود جمالی تصور کنید که هیچ زشتی با او نیامیزد و کمالی که هیچ نقص پیرامن او نگردد، او را آنجا یابید همه جمالها به حقیقت او راست گاه نیکویی همه رویست و گاه جود همه دست است. هر که خدمت او کرد سعادت ابد یافت و هر که از او اعراض کرد، خسر دنیا و الآخرة شد و بسا دوستان که چون این قصه من بشنود گوید پندارم تو را، پری رنجه می‌دارد، یا دیو در تو تصرف کرده است و به خدای که تو نپریدی بلکه عقل تو پرید و ترا صید نکردند بلکه خرد تو را صید کردند.

آدمی هرگز کی پرید؟! مرغ هرگز کی سخن گفت؟! گوئی که صفرا بر مزاج تو غالب شده است. یا خشکی به دماغ تو راه یافته است. باید

ترجمه رساله الطیر، متن، ص: ۱۳

که طیبخ افیمون خوری و به گرما به روی و آب خوش بر سر ریزی و پیوسته نیلوفر بوئی بود. و در طعامها افکنی و از بیداری دور باشی و اندیشه کم کنی که پیش ازین ترا عاقل و بخرد دیدم و خدای بر ما گواه است که ما رنجوریم از جهت تو و از خللی که به تو راه یافت است. چون بسیار گفتند و چون اندک پذیرفتیم و بدترین سخنها آنست که ضایع شود و بی‌اثر ماند و استعانت من به خدای است و هر که جز این که گفتم اعتماد کند نادان است و «سيعلم الذين ظلموا ای منقلب ینقلبون» زودا که بدانند کسانی که بر خود ستم کردند که کجا خواهند رفت و چه خواهند دید.

«و الله اعلم بالصواب كتب هذه الرسالة العبد الفقير» «الی الله الغنی محمد بن ابی بکر القناه شیرینی»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رهنانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهانندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

